

۲۴ فروردین تلویزیون انترناسیونال شروع به کار میکند

صفحه ۲



دست راستی کاخ سفید و متحدین آن، بلر و آزار و مشتکی دولتهای دست راستی و جریانات ناسیونالیسم و فاشیست در سطح جهان، قرار دارند. در سطح منطقه ناسیونالیسم ایرانی و ناسیونالیسم کرد در جبهه ارتجاع سیاه و میلیتاریستی دوران معاصر به سرکردگی جرج بوش ایستاداند. در شماره قبل انترناسیونال

صفحه ۲

ناسیونالیسم کرد شریک جرم آمریکا

رحمان حسین زاده

و مشابه فاشیسم هیتلری است. وقایع تکان دهنده جنگ جنایتکارانه دو هفته اخیر علیرغم سانسور رسانهای نوکر و حلقه بگوش پنتاگون، خود به اندازه کافی وجدان بشریت حقیقتجوی جهان را تکان داده است. مردم بخت برگشته عراق قربانی هژمونی طلبی آمریکا و اعمال قلدری آن بر دنیای امروز هستند. این را میلیونها انسان حقیقت طلب و ضد زور با گوشت و پوست درک کرده و در جنبش ضد جنگ در پنج قاره به نمایش گذاشتند. در مقابل صف وسیع انسانیت، هیئت حاکمه سوپر

اقتصادی و اجتماعی یک جامعه بیست میلیون و تخمین کشته و معلول شدن نیم میلیون انسان و ابعاد آوارگی و فلاکت دامنگیر کل جامعه روش مهوعی برای نجات مردم عراق از ستم حاکمیت فاشیستی بعث است. لشکرکشی صدها هزار نفری و تحمیل جنگ خانه به خانه در قلب شهر و شرکها و محل کار و زیست مردم عراق و کشتار بزرگ و کوچک و زن و مرد و دیدن تصویر جنازه لت و پار کودکان بی اطلاع از سرنوشتی که به آن گرفتار آمدند، جنایتی بالاتر از جنایتکاری صدام

جنگ و کشتار و جنایت توصیف حال اتفاقی نیست که در عراق در جریان است. رویدادی بسیار بالاتر، بربریتی گسترده و عمیق نه تنها در عراق و خاورمیانه بلکه علیه بشریت در جهان در حال تکوین است. امروز دیگر توجیحات مسخرهای چون "تابودی سلاحهای کشتار جمعی" و "ساقط کردن صدام دیکتاتور و آزادی مردم عراق" نه در نزد خودشان و نه در افکار عمومی پیشیزی ارزش ندارد. برآستی به موشک و بمب و توب بستن یک کشور از زمین و هوا و تخریب شهرها و زیربنای



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۵۳

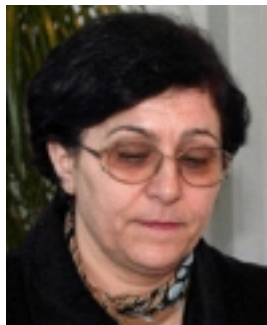
۱۵ فروردین ۱۳۸۲
۴ آوریل ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk



اطلاعیه دفتر مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران در مورد:

تهدید مینا احدی توسط جمهوری اسلامی

صفحه ۴

معلمان

در تدارک
اعتصابی
دیگر

صفحه ۴

"نظم نوین جهانی" آمریکا محکوم به شکست است

فاتح بهرامی



صفحه ۳

تتهاجم نظامی مطلع نیست. آنچه قابل تصور است اینست که با فرود هر بمب جمعیتی از انسانها از زن و مرد و کودک و سالخورده به خاک میافتند و دود و آتش از یک منطقه بلند میشود. جزو وظیفه رسانه ها هم نیست که به ابعاد تلفات انسانی اشاره کنند. رسانه ها بعنوان بخشی از ارتش اعزامی، کارشان مطابق دستورالعمل کاخ سفید و پنتاگون تصویرسازی مورد نیاز تبلیغات جنگی و نمایش قنر

میکشند. و تازه هنوز وعده اینست که عملیات اصلی و سنگین تری در راه است. این بربریت "ملرن" و این نسل کشی تمام عیار را عملیاتی با هدف "آزادی عراق" نام نهاده اند. قرار است موشکهای کروژ و بمب های ویرانگر به عراق دمکراسی ببرد. شاید در قاموس جرج بوش و تونی بلر و ژنرالها و سران پنتاگون آنچه بر سر مردم عراق و سرپناه آنان شلیک میشود بمب آزادیبخش است! کسی فعلا از آمار واقعی کشته و زخمی این

کشتار سبعانه مردم عراق توسط آمریکا و متحدین آن بیوقه ادامه دارد. بنا به آمار که خود این جانیان بشر درباره تعداد بمب و موشکهای شلیک شده میدهند، بطور متوسط هر ۱ تا ۱/۵ دقیقه حداقل یک بمب یا موشک بر سر مردم عراق کوبیده میشود. سه هزار بمب در سه روز، مجموعا نه هزار بمب و موشک تا سه چهار روز پیش! آنان که هنوز زنده اند، در محاصره و محروم از آب و غذا و دارو مرگ را انتظار

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ ناسیونالیسم کرد شریک جرم آمریکا

هفتگی با تفصیل بیشتر ماهیت ناسیونالیسم ایرانی در این تحولات بررسی شده است. من در اینجا بر جایگاه ناسیونالیسم کرد در این صحنه‌ی ارتجاعی مکث می‌کنم.

منافع "جنش ملی کرد" یا نسخه اسرائیلی مسئله کرد؟

ناسیونالیسم کرد از مقطع بحران خلیج در سال ۱۹۹۱ در صف ارتجاع میلیتاریستی آمریکا ثبت نام کرد. به قول منصور حکمت: "مصلحت ملی کرد" مجوزی شد تا در یکی از سیاه‌ترین لحظات تاریخ دخالتهای امپریالیستی در جهان، در مقطع رسمت یافتن مجدد میلیتاریسم (پس از شکست آمریکا در ویتنام) به عنوان ابزار اصلی در سیاست بین‌المللی قدرتهای امپریالیستی و در متن قتل عام و انهدام اقتصادی و اجتماعی "یک ملت دیگر" در اردوی آمریکا قرار بگیرند و به روی بشریت معترض به این تجاوز تف کنند. مجوزی بود تا لبخند زنان نظاره‌گر مصائب مردم عرب باشند. مصلحت ملی برای اینها مجوزی بود تا با ارتجاع اسلامی جبهه تشکیل دهند. این حق به جانبی از پیشی و تابع نبودن به هیچ محک انسانی و اجتماعی جهانشمول، خصلت عمومی ناسیونالیسم و مذهب و نژاد پرستی است. سرکوب مردم فلسطین و بی‌حقوقی رسمی آنها توسط دولت اسرائیل زیر لوای مصالح ملت یهود و جبران مشقات این ملت در آلمان هیتلری صورت می‌گیرد. کشتار و درگیری مردم کردستان با مصالح ملت عرب توجیه می‌شود. از کتاب بحران خلیج.

ناسیونالیسم کرد بر همین منوال در ۱۲ سال گذشته در کل بحران و جنگ خاورمیانه با مقدم کردن تعلق و هویت و مصلحت ملی به هر امر و پرنسب اجتماعی، ضدیت خود را با حداقل معیارها و انتظارات آزادیخواهانه و انسانی به نمایش گذاشت. در جنگ کنونی آمریکا علیه عراق، نقش ناسیونالیسم کرد از همبستگی سیاسی و وعده همکاری عملی به تبدیل شدن به بخشی از نیروی نظامی و جنگی آمریکا ارتقاء یافته است. در شرایطی که بغداد و بصره و دیگر شهرهای بزرگ عراق زیر آتش مرگبار و بی‌وقفه موشک کروز و بمب و توپ و دیگر سلاحهای مرگبار ارتش متجاوز آمریکا و متحدینش قرار دارد، در حالی که جنایتکاران جنگی آمریکا و بریتانیا بدون خم به ابرو آوردن مناطق مسکونی و غیر مسکونی را با خاک یکسان می‌کنند، در

حالیکه تصمیم به تخریب شهرها و اماکن زندگی مردم بستند، در حالیکه مردم عادی را قصابی می‌کنند، در حالیکه گریه و زاری انسانهای دردمند بر جسد لت و پار بستگان و جگرگوشگانشان قلب همه انسانهای دردمند این کره خاکی را به درد می‌آورد، در شرایطی که مردم آواره و یا مردم شهرکهای تحت اشغال آمریکا و بریتانیا به دور از ترس رژیم بعث نفرت خود را از حضور ارتش متجاوز بیان می‌کنند و شعار "به خانه‌هایتان برگردید" سر می‌دهند، درست در این موقع در مقابل چشمان ناباور میلیونها انسان در سراسر جهان، نیروی نظامی و "پیشمرگان" ناسیونالیسم کرد پیشقراول ارتش جنایتکار آمریکا و در صف مقدم سنگر گرفته‌اند. به این ترتیب در یکی از بزرگترین جنگ و جنایت امپریالیستی دوران معاصر ناسیونالیسم کرد مستقیماً شریک جرم و جنایت آمریکا علیه بشریت است.

ناسیونالیسم کرد و اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق سهیم شدن در این جرم و جنایت را با وعده کسب "فدرالیسم" و تأمین "منافع جنش ملی" توضیح می‌دهند. درست همانند دیگر جنبشها و جریانهای ناسیونالیستی گویا "مصلح ملی" میتواند توجیه کننده هر جرم و جنایتی باشد، میتواند بر انسانیت و پایمال شدن حقوق انسانی در ابعاد میلیونی و جهانی ارجحیت تام داشته باشد، میتواند ائتلاف در بزرگترین کشتار و جنایت دوره معاصر را ممکن کند، میتواند نه تنها بر پیامدهای ضد انسانی آن در عراق، بلکه بر پیامدهای ضد انسانی یک جنگ عظیم و کم سابقه در تاریخ بشر در سراسر جهان چشم پوشند.

بیباید فرض کنیم نه تنها "فدرالیسم" (طرحی برای کشمکش و پاکسازی قومی) بلکه در بطن کشتار و این جنگ خونین، ناسیونالیسم کرد به استقلال هم برسد. فرض کنیم مصالح آمریکا و بریتانیا ایجاب کرد و جواز کشور مستقل کرد را برایشان امضا و در سازمان ملل به ثبت رسانند و تحویل سران ناسیونالیسم کرد دادند. تازه از جانب جبهه انسان آزادیخواه دنیا، از جانب من و هر انسان آزادیخواه از همان جامعه کردستان پرسیده میشود، "کشور مستقل" ماحصل نظم نوین جهانی، "دولت مستقل" برپاشده از میان کشتار و خون و تل اجساد مردم عرب زبان و دست پخت آمریکا، نسخه اسرائیلی برای ایجاد حاکمیت در کردستان، چه مشروعیتی دارد؟ چه خشم و کینه‌ای را از جانب مردم آزادیخواهی که درست در این دوران در مقابل جنگ و جنایت آمریکا مقابله

می‌کنند و از جانب مردم عرب زبان منطقه و عراق نسبت به خود ایجاد میکند و بالاخره چه ربطی به مبارزات حق طلبانه و آزادیخواهانه و تاریخی مردم کردستان برای رهایی از تبعیضات اجتماعی و رفع ستم ملی دارد؟

مردم کردستان شریک جرم

ناسیونالیسم کرد و آمریکا نیستند
ناسیونالیسم کرد در تحولات تاریخی دوره بعد از جنگ سرد و در چرخش سیاسی دوره معاصر در کمپ نیروهای دست راستی زیر سایه آمریکا اطراق کرده است. از مقطع بحران خلیج اول در سال ۱۹۹۱ تاکنون پادوی سیاستهای آمریکا و اهرم فشاری در دست آمریکا در معادلات منطقه‌ای و جهانی بوده است. در جنگ کنونی ناسیونالیسم کرد رسماً به پیاده نظام آمریکا تبدیل شده و شریک جنایت و کشتاری است که در عراق توسط آمریکا هدایت میشود. کل سیاستها و عملکردهای ارتجاعی ناسیونالیسم کرد توسط خود این جریانها و آمریکا و رسانه‌های وابسته تحت نام منافع "ملت کرد" و به نام مردم کردستان قالب میشود. اینجاست که جنش آزادیخواهانه در کردستان با صدای رسا خطاب به بشریت مترقی در جهان اعلام میکند:

- ناسیونالیسم کرد نه تنها مردم در کردستان را نمایندگی نمیکند بلکه در ضدیت با منافع و مصالح مردم در کردستان عمل میکند. این جریان شریک جرم و جنایت آمریکا علیه بشریت است. اما بر عکس جنش آزادیخواهانه و رادیکال صف متمایز و متفاوتی را در جامعه کردستان نمایندگی میکند. صف بشریت متمدن و صف جنش میلیونی ضد جنگ و کشتار آمریکا هم اکنون خواستار قطع فوری جنگ و بیرون رفتن نیروی نظامی آمریکا و متحدین از عراق و منطقه است. علاوه بر آن مبارزه برای آزادی و رفاه و حقوق انسانی، تلاش برای رهایی از تبعیضات اجتماعی و ستم و نابرابری و مشخصاً مبارزه برای رفع ستم ملی بر پرچم این جنش حک شده است.

کمونیسم کارگری به عنوان نیروی موثر جنش آزادیخواهانه درست از بحران خلیج سال ۱۹۹۱ تاکنون پرچم جبهه مقابل نظم نوین جهانی و قدری آمریکا را با افتخار برافراشته است. در کشمکش و جنگ کنونی پیشقراول مبارزه بی‌امان علیه جنگ و کشتار و قدر قدرتی آمریکا و متحدان آن و نوید دهنده رهایی مردم عراق از چنبره ارتجاع ناسیونالیستی و اسلامی و حاکمیت سیاه بعث است. کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری را باید انتخاب و تقویت کرد. ■

تلویزیون انترناسیونال را ببینید!

۲۴ فروردین

تلویزیون انترناسیونال شروع به کار میکند

تلویزیون انترناسیونال از روز یکشنبه ۲۴ فروردین (۱۳ آوریل) شروع به کار خواهد کرد. تلویزیون انترناسیونال، سیمای آزادی، سیمای برابری و انسانیت، سیمای کارگر است.

برنامه‌های این تلویزیون روزهای یکشنبه ساعت ۶ و نیم بعد از ظهر بوقت تهران به مدت یکساعت از شبکه تلویزیونی کانال یک پخش خواهد شد. همین برنامه روزهای چهارشنبه ساعت ۱۱ و نیم شب به وقت تهران تکرار خواهد شد.

برنامه‌های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه‌ها از طریق شبکه اینترنت (سایت روزنه) نیز قابل دسترسی خواهند بود.

ساعات و کانال پخش تلویزیون انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.

آدرس تماس

ای میل: wpi_tv@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۴ ۷۸۱ ۵۹۰ ۲۲ ۳۷

فکس: ۰۰۱ ۵۰۳ ۲۱۲ ۱۷ ۳۳

سایت اینترنت: www.rowzane.com

مشخصات فنی آنتن

Atlantic Bird 2

Location: 15 Degress West

Downlink Frequencz. 11141 Mhz

Downlink Polarity: Horizontal

Symbol Rate: 28.200

FEC: 1/2

Telstar 12

Location: 15 Degress West

Downlink Frequencz. 12595 Mhz

Downlink Polarity: Horizontal

Symbol Rate: 31.829

FEC: 3/4

مدیر تلویزیون انترناسیونال - آذر مدرسی

۱۲ فروردین ۱۳۸۲ - ۱ آوریل ۲۰۰۳

از صفحه ۱

نظم نوین جهانی آمریکا محکوم به ۰۰

قدرتی ارتش آمریکا است.

کشتار و نابودی نیم میلیون از مردم عراق از سال ۹۱ تاکنون هدیه دمکراسی غربی به مردم این گوشه جهان است. صدها هزار نفر در جنگ خلیج، در "طلوع خونین نظم نوین جهانی"، قربانی جنگی شدند که قرار بود به برگرداندن موقعیت رهبری آمریکا در جهان پس از فروپاشی بلوک شرق خدمت کند. از آژمان تاکنون ۱۲ سال است که آمریکا با مهلک ترین "سلاح کشتار جمعی"، یعنی محاصره اقتصادی، از مردم عراق و بویژه کودکان قربانی میگیرد. و امروز در ادامه همان سیاست و برای برقراری نظم نوینی که به سرانجام نرسیده بود، بار دیگر مردم عراق و شهرهای آن کشور آماج شدیدترین یورش نظامی قرار گرفته است.

تا قبل از فروپاشی بلوک شرق تقابل سرمایه داری بلوک غرب با سرمایه داری دولتی در بلوک شرق، و به تعبیر خود آمریکا و دیگر کشورهای غرب مقابله با "خطر کمونیسم"، باعث شده بود که سرمایه داری غرب پشت سر رهبری آمریکا به خط شود. اما از بین رفتن جهان دو قطبی با از هم پاشیدن بلوک شرق اتحاد کشورهای غربی را بعنوان یک بلوک تحت رهبری آمریکا زیر سوال برد و حتی نهادهای بین المللی موجود مانند ناتو را از اعتبار قبلی ساقط کرد. زیر سوال رفتن رهبری آمریکا بر جهان غرب، بویژه با توجه به موقعیت غیر برتر اقتصادی در بلوک غرب، باعث شد که برای اعاده رهبری جهان آمریکا چاره ای بیندیشد. قدرتی نظامی با اتکا به تکنولوژی برتر نظامی تنها راه اعاده رهبری بر جهان شناخته شد. جنگ خلیج در سال ۹۱، که بهانه آن اشغال کویت توسط عراق بود، با هدف تأمین این رهبری و تحت عنوان برقراری نظم نوین جهانی صورت گرفت. اما این نظم نوین جهانی متحقق نشد. آمریکا به آن موقعیت مورد نظر دست نیافت. به لحاظ اقتصادی باز هم از برخی کشورهای سرمایه داری غرب عقب افتاد. اینبار حتی وحدت دو آلمان، مساله اروپای واحد، عروج چین بعنوان یک غول اقتصادی، و عرض اندام و سرپا ایستادن روسیه همچنان نقش آمریکا را بعنوان آقای جهان زیر سوال برد و نشان داد که جهان سرمایه داری بر مبنای نظم نوین مورد نظر آمریکا به خط

نیست. بنابراین همان هدف جنگ خلیج با اهمیت بیشتری مقابل آمریکا بود و هست. اینبار ضربه اسلام سیاسی به آمریکا در ۱۱ سپتامبر به امکان یادآورده ای برای آمریکا تبدیل شد که از موضع حق به جانب و "مورد تهلیل تروریسم" کار ناتمام سال ۹۱ را پی بگیرد. جنگ افغانستان این هدف را برآورده نکرد. بهمین دلیل حمله مجدد به عراق در دستور قرار گرفت. اهمیت موضوع برای آمریکا چنان بود که علیرغم مخالفت آلمان و فرانسه و چین و شوروی و عدم تأیید سازمان ملل، با تنوری جدید "ضربه پیشگیرانه" و تبلیغاتی مانند "خلع سلاح صدام حسین" و "آزاد سازی عراق" و غیره به یورش همه جانبه نظامی به عراق آماده شد و باین ترتیب کشتار مجدد مردم عراق و ارتکاب یکی از بزرگترین جنایات تاریخ بشر شروع شد.

اما نظم نوین جهانی آمریکا محکوم به شکست است. با احتمال زیاد در جنگ فعلی حکومت صدام حسین سرنگون میشود و باین معنی آمریکا به لحاظ نظامی پیروز میشود. اما به لحاظ سیاسی آمریکا بازنده این جنگ است. تا به هدف این جنگ یعنی برقراری نظم نوین و کسب رهبری جهان سرمایه داری برمیگردد، آمریکا به هدفش نمیتواند برسد. گذشته از اینکه تلاش همه جانبه آمریکا برای بخطر شدن کشورهای غربی پشت سر او در حمله به عراق ناکام ماند، تنش های بین آمریکا و دیگر کشورهای قدرتمند جهان بر سر منافع اقتصادی و سیاسی در فرآیند بعد از پایان این جنگ کاهش نخواهد یافت و در آینده تشدید هم میشود. حرکت سرمایه در سطح جهان را فقط با منطق زور و قدرتی نظامی نمیشود کنترل کرد. اگر آمریکا نخواهد به بگذارم موجودیت خودش هم بدلیل مسلح بودن دیگران به سلاح اتمی زیر سوال خواهد بود، آنگاه قادر به ایجاد نظم نوینی که در آن کشورهای قدرتمند تر اقتصادی از وی حساب ببرند، نخواهد شد. باین معنی نظم نوین جهانی قابل تحقق نیست. پس از این جنگ، در اروپا و در رأس آنها آلمان و فرانسه و احتمالا روسیه گارد محکمتری در مقابل آمریکا به خود خواهند گرفت. جهان سرمایه داری امروز با وجود قطب های قدرتمند اقتصادی ای مانند چین، ژاپن، اروپای واحد و روسیه به یک جهانی تک قطبی به رهبری آمریکا بدل نخواهد شد.

دور آتی نه تنها دوره نظم نوین جهانی به سرکردگی آمریکا نخواهد بود بلکه علاوه بر گسترش جنبش

اعتراضی کارگری و مردم آزادخواه که پائین تر اشاره ای به آن خواهم کرد، در میان خود کشورهای سرمایه داری دوره رقابت شدید و پر از تنش خواهد بود.

اما یک وجه دیگر مشکل آمریکا در جنگ اخیر در خود خاورمیانه است. پس از پایان جنگ و سقوط صدام حسین منطقه خاورمیانه با مسائل پیچیده تری مواجه خواهد بود که آمریکا را دچار مخصصه میکند. اولاً تحت تاثیر لشکرکشی آمریکا اسلام سیاسی فرصت و امکان بیشتری برای ابراز وجود خواهد داشت و ناسیونالیسم عرب تقویت میشود. نسخه آمریکا برای داخل عراق در هر شکلی با اعتراض و با کشمکش جریانات ارتجاعی از اسلامی گرفته تا ناسیونالیسم کرد و ناسیونالیسم عرب مواجه خواهد بود. فقط در صورتی که جریان کمونیسم کارگری بتواند آلترناتیو سوسیالیستی و آزادخواهانه خود را در مقابل جامعه بگیرد و به یک نیروی قدرتمند در عراق تبدیل شود و مردم را حول یک حکومت سکولار و آزادخواه بسیج کند امکان بازگشت آرامش به جامعه و از سرگیری زندگی مردم ممکن میشود.

در غیر اینصورت نسخه آمریکائی در هر شکلی برای عراق وضعیت آنجا را از افغانستان فعلی بدتر خواهد کرد. هیچ حکومتی متشکل از مرتجعین اسلامی و ناسیونالیست های کرد و امثال چلبی در غیاب حضور آمریکا در آنجا قادر به حکومت بر عراق نیست و احتمال بروز جنگ داخلی را ممکن میکند. در چنین شرایطی و تحت تاثیر دخالت های احتمالی کشورهای همسایه عراق و در کنار اینها مساله فلسطین و اسرائیل مسائل پیش بینی نشده و پیچیده ای را در منطقه ایجاد میکند که حتی جنگ در منطقه میتواند یکی از تبعات آن باشد. از طرف دیگر حضور ارتش آمریکا در منطقه با موجی از اعتراض و ناآرامی نه تنها در عراق بلکه احتمالاً در برخی کشورهای منطقه مواجه خواهد شد که آمریکا قادر به مهار آن نخواهد بود. در مجموع سیاست آمریکا در خاورمیانه با شکست جنی مواجه خواهد شد. اگر در قدم اول این جنگ حتی در عرصه نظامی پیش بینی های اولیه آمریکا مبنی بر پیروزی سریع در جنگ غلط از آب در آمد و با مشکلات جنی مواجه شد، پس از پایان جنگ معضلات جنی تری گریبانگیر آمریکا را خواهد گرفت که در عرصه سیاست جهانی نیز آمریکا را تحت فشار جنی تری خواهد گذاشت.

یک فاکتور اساسی دیگر که امروز وجود دارد و در زمان جنگ خلیج نبود، جنبش عظیم و جهانی

ضد جنگ است. مخالفت با یورش نظامی آمریکا در سطح جهان فراتر از حتی بیست میلیون نفری است که در ۱۵ فوریه به خیابانهای جهان ریختند. این نیروی عظیم علیرغم حضور گرایشات متفاوت در آن در پیش از ششصد کشور جهان از سیاست آمریکا اعلام نفرت کرد و هر روز میکند. این جنبش اعلام کرد که در مقابل قدرتی و زورگویی آمریکا میایستد و با پلیس ضد شورش درگیر میشود و خواهان قطع فوری جنگ است. حضور این نیرو به تنهایی اعلام شکست سیاسی آمریکا، جنبش ضد جنگ یک شبه به میدان نیامد. آنچه باعث شده که نیروی قدرتمند جنبش ضد جنگ ابراز وجود کند به تفاوتی برمیگردد که در زمان جنگ خلیج وجود نداشت. در آن زمان مدت زیادی از پایان جنگ سرد و پائین آمدن دیوار برلین نگذشته بود. جهان هنوز تحت تاثیر قیل و قال "شکست کمونیسم" و "پایان تاریخ" و "پیروزی دمکراسی" بسر میبرد. مردم جهان امروز از دوره رخوت دهه نود بیرون آمده اند. عواقب پیروزی دمکراسی را بر زندگی و آینده خود دیده اند و لمس کردند. مردم دیدند که جهان نه تنها به سوی صلح و صفا و آرامش نرفت بلکه شاهد جنگ ها و پاکسازیهای قومی، سربرآوردن ارتجاعی ترین گرایشات ضد انسانی مانند اسلام سیاسی، فقر و بیکاری و بی تأمین بیشتر در مراکز صنعتی جهان، پائین آمدن سطح معیشت انسانها و زیر سوال رفتن حرمت و حقوق مردم، بازس گیری باز هم بیشتر دستاوردهای مبارزات گذشته طبقه کارگر و مردم آزادخواه و خلاصه تنزل موقعیت انسان در سطح جامعه بودند. واضح است که چنین وضعیتی در میان مردم جهان با اعتراض مواجه میشود. جنبش ضد جنگ اگرچه علیه جنگ است و با خاتمه جنگ تمام میشود، اما بخش مهمی از نیروی آن این اعتراض به وضعیت امروز جامعه را با خود حمل میکند. جنگ مجرائی بود که از طریق آن این نیرو را به خیابان کشاند. بهمین دلیل این اعتراض جهانی فردا در اشکال دیگری و بدلائیل دیگری نیروی اعتراض به نابرابری و بیعدالتی و مشقات جامعه امروز خواهد بود و بعد از جنگ هم خود را نشان خواهد داد. باین معنی این نیروی عظیم جهانی به خانه برنمیگردد. اما اینهم روشن است که حضور آینده این نیرو نه در ابعاد آن و نه در شکل و محتوای آن با جنبش ضد جنگ امروز یکی نخواهد بود. در جنبش ضد جنگ فعلی گرایشات

متفاوتی حضور دارند. از حضور طبقه کارگر و جریان کمونیسم کارگری تا توده وسیع مردم آزادخواه و معترض به وضع موجود، از جنبش آنتی گلوبالیزاسیون و جنبش صلح (طرفدار وضع موجود قبل از جنگ) تا جریانات چپ و سوسیال دمکرات، و از جریانات مذهبی و اسلامی تا ناسیونالیسم عرب و غیره در جنبش ضد جنگ حضور دارند. روشن است که این جنبش یک رهبری واحد ندارد و حتی در کشورهای مختلف همونی جریانات مختلف بر آن متفاوت است. بعد از جنگ بطور قطع نیروی این جنبش فعلی ضد جنگ تجزیه میشود. مستقل از جریانات ارتجاعی درون جنبش ضد جنگ، اما اکثریت عظیم نیروی آن، و نه لزوماً همه احزاب و جریاناتی که نوعی در رهبری یا سخنگویی جنبش ضد جنگ قرار دارند، ماتریال انسانی یک جنبش آزادخواهانه را علیه مشقات جامعه سرمایه داری تشکیل میدهند. در این میان نقش طبقه کارگر اساسی و حیاتی است. خود حضور طبقه کارگر حتی در همین شکل و اندازه فعلی در جنبش ضد جنگ یک حرکت بسیار مهم است. سالیهای طولانی است که کارگران بجز در مورد اعتراضات مربوط به مسائل اقتصادی خود در عرصه سیاست و بویژه سیاست بین المللی حضور نداشته اند. دخالت سیاسی کارگران در شرایط امروز و اعتصابات و حضور آنها در جنبش ضد جنگ وضع قبلی را تغییر میدهد و امید به تحرک این طبقه را در عرصه سیاست بوجود آورده است. حتی در همین جنبش ضد جنگ به هر درجه که کارگران حضور قویتر و موثرتری ایفا کنند، نه تنها بر چپ تر شدن جنبش ضد جنگ تاثیر میگذارند بلکه بطور واقعی امکان قطع جنگ را بیشتر میکنند.

توحش افسار گسیخته آمریکا در تهاجم به مردم عراق و سیاست فوق ارتجاعی هیئت حاکمه آمریکا قطعاً به تقویت گرایشات ارتجاعی در منطقه منجر میشود. اما آمریکا در شرایط متفاوتی با دوره جنگ خلیج دست به این کار زده است. علاوه بر نکاتی که بالاتر درباره شکست سیاست نظم نوینی آمریکا اشاره کردم، خود جنبش ضد جنگ و نیروی آزادخواه و عدالت طلبی که در دل این جنبش پس از پایان جنگ سر بلند خواهد کرد بطور قطع سیاست نظم نوین آمریکا را با شکست قطعی مواجه خواهد کرد و مقابل آن میایستد و رسوا میکند. ■

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

معلمان در تدارک اعتصابی دیگر

شهلا دانشفر



علیرغم اعتراضات مکرر معلمان برای خواست افزایش حقوق و دیگر مطالباتشان، تاکنون پاسخ روشنی به خواسته‌های آنها داده نشده است. نزدیک به دو سال است که معلمان اعتراض میکنند، علیه تبعیض و نابرابری موجود صدایشان را بلند کرده اند، میگویند که دیگر نمیخواهند زیر خط فقر زندگی کنند، خواهان مسکن مناسب و تامین زندگیشان هستند، خواهان تشکل واقعی خود و حق اجتماع و اداره مدارس بدست نمایندگان خودشان هستند و همه این ها خواست و موضوع اعتراض همین امروز آنان است. اما تاکنون همه این خواسته‌ها بی پاسخ مانده است. معلمان خشمگین از این هستند که چرا به جای پاسخگویی به نیازهایشان با باتوم به آنها حمله میکنند، تجمعاتشان مورد تهاجم نیروهای انتظامی رژیم قرار میگیرد و به آنها توهین میشود. انعکاس این اعتراضات را میتوان در مباحثات و اعتراضاتی که در جلسه ای با شرکت وزیر آموزش و پرورش و معاون او و جمعی از معلمان که اخیراً برگزار شد، به روشنی دید. این جلسه که در روز ۱۶ اسفندماه در محله "اردوگاه باهنر" با شرکت حدود ۷۰ تن از معلمان برگزار شده بود، عملاً به محل اعتراض و سوال پیچ کردن وزیر آموزش و پرورش و به جلسه

اعتراضی معلمان علیه دولت تبدیل شد. در این جلسه معلمان از مقامات دولتی خواستند که به خاطر تحقیرهایی که بر آنها وارد شده و به خاطر عدم پاسخگویی به خواسته‌های برحقشان باید دولت رسماً و در رسانه های رسمی از آنها پوزش بخواهد. سئوالات و فشار اعتراض معلمان در جلسه آنچنان بالا بود که وزیر آموزش و پرورش ناچار به ترک جلسه سپرد. اما این کار او با اعتراض معلمان و ترک جلسه مواجه شد. در این جلسه معلمان هوشیارانه از فرصت استفاده کردند و قطعنامه خواسته‌های خود را خواندند و به دولت اولتیماتوم دادند که اگر تا ۱۳ اردیبهشت بازهم به خواسته‌ها و مطالبات آنها پاسخ داده نشود دست به اعتصابی سراسری خواهند زد. معلمان در عین حال اعلام کردند که این تهدید وزیر آموزش و پرورش را که در همان جلسه در برابر اولتیماتوم آنان و در برابر اعتراضاتشان تهدید کرد که "ما معلم مازاد زیاد داریم" بی پاسخ نخواهند گذاشت. معلمان که با اعتراضات خود در دو سه ساله اخیر نقش مهمی در تغییر فضای سیاسی جامعه داشته اند به نقطه امیدی در میان مردم تبدیل شده اند، اولتیماتوم آنها برای یک حرکت اعتراضی

سراسری در اردیبهشت ماه تاثیر مهمی بر جو اعتراضی موجود در جامعه خواهد گذاشت. معلمان در اتصال با توده میلیونی دانش آموزان و خانواده هایشان و بعنوان یک بخش محبوب در جامعه میتوانند نقش موثری در گسترش اعتراضات موجود در جامعه داشته باشند و بدون شک خواسته‌ها و مطالبات آنها بویژه در شرایط سیاسی امروز با حمایت وسیع و پشتیبانی مردم روبرو خواهد شد. باید از هم اکنون به تدارک و سازماندهی این حرکت اعتراضی مشغول شد. طی سه ساله اخیر شبکه ای از روابط بین معلمان معترض در مناطق مختلف تهران و معلمان شهرستانها برقرار شده است. اینها نطفه های اولیه و پایه ای برای سازمانیابی اعتراضات وسیع معلمان میتوانند باشد. در دل این روابط میتوان بطور متحد و با خواسته‌های سراسری برای سازماندهی یک حرکت اعتراضی باشکوه، همانطور که در دیماه ۸۰ شاهد آن بودیم، اقدام کرد. بویژه اول ماه مه روز جهانی کارگران نزدیک است، فرصت مناسبی است تا همراه با کارگران نیروی وسیع تری را به حمایت از خواسته‌های خود کشاند. باید این فرصت را دریافت.

اطلاعیه دفتر مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران در مورد:

تهدید مینا احدی توسط جمهوری اسلامی

روز سه شنبه ۱ آوریل مینا احدی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران و از چهره های سرشناس اپوزیسیون از طریق یک تماس تلفنی توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مورد تهدید قرار میگیرد.

این تهدید عکس العمل جمهوری اسلامی به فعالیت ها و افشاگری های مستمر و وسیع کادرها و فعالین حزب کمونیست کارگری است. حکومت اسلامی به عبث تلاش میکند تا به هر شیوه ای در این مبارزات اخلال ایجاد کند. اما تمام سران و کارگزاران و مزدوران این حکومت باید مطمئن باشند که این شیوه ها کمکی به برون رفت حکومت اسلامی از بحران مرگبارش نمیکند. مبارزه کارگران و توده های میلیونی مردم تا سرنگونی این حکومت به

دفتر مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران

۳ آوریل ۲۰۰۳
۱۴ فروردین ۱۳۸۲

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر- ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۳۰ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

Tel: 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0046 8 659 0755

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

برای یک دنیای بهتر

برنامه تلویزیونی علی جوادی

از طریق ماهواره در تلویزیون "کانال ۸"

سه شنبه : ۱۱:۳۰ شب

پنجشنبه : ۶:۳۰ بعد از ظهر

جمعه : ۱۲ ظهر

شنبه : ۶:۳۰ بعد از ظهر

بوقت تهران

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری
را بخوانید!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سایت کارگران شروع بکار کرد

سایت کارگران منعکس کننده اخبار اعتراضات و مبارزات کارگران و بررسی مسائل گرهی جنبش کارگری خواهد بود. با ارسال گزارش و خبر و مقالات و عکس در زمینه مسائل جنبش کارگری در ایران و جهان با این سایت همکاری کنید،

سردبیر: شهلا دانشفر

آدرس سایت: www.kargaran.org

آدرس ای میل: shahla_daneshfar@yahoo.com